

## موسسه کار آفرینان توسعه هزاره سوم

مرکز رشد کسب و کار اجتماعی در حوزه سالمندی

Website: [www.socialbiz.ir](http://www.socialbiz.ir)

[www.sbconf.ir](http://www.sbconf.ir)

شرح حال زهرا گلیج، دانش آموخته کار آفرین دانشکده کار آفرینی

Email: [zahragoleij@gmail.com](mailto:zahragoleij@gmail.com)

طراحی و تولید پکیج مناسب کودکان، تجربه ناتمامی داشتم که برایم خیلی آموزنده بود. من در این تجربه به برخی از نقاط ضعفم پی بردم و در صدد رفع آنها برآمدم.

این موضوع چند درس مهم برایم داشت:

- مدیریت مالی داشته باشم و نقدینگی ام را مدیریت کنم به همین خاطر در دوره های مالی شرکت کردم.
- در یک حوزه متمرکز و عمیق شوم، مانند ذره بین که وقتی یک جا قرار بگیرد با نور ضعیف هم گرما تولید می کند.
- مهم ترین درس این بود که باورهای مالی غلطم را اصلاح کنم.
- بیش از گذشته به خدا توکل کرده و به خودم بیشتر متکی باشم.

از سال ۱۳۸۷ آموزش کارآفرینی را در قالب همکاری با مراکز کارآفرینی شهرداری و به عنوان مشاور مرکز کارآفرینی منطقه ۲۱ شهرداری در کنار آقای بزرگر شروع کردم. سال ۱۳۸۸ در همایشی با خانم مقیمی از کارآفرینان و مدیران تاثیر گذار کشور آشنا شدم که این آشنایی تأثیر شگرفی در زندگی کاری من داشت. آغاز کسب و کار شخصی از طریق راه اندازی موسسه آموزشی "کارآفرینان توسعه هزاره سوم" در سال ۱۳۸۹ یکی از تصمیمات مهم من بعد از ارتباط با خانم مقیمی بود. در این موسسه، خدمات آموزشی به افرادی که می خواهند کسب و کاری ایجاد کنند و یا کسانی که می خواهند وارد یک شغل تازه ای بشوند ارائه می شود. افراد برای ورود به حوزه کسب و کار لازم است مهارت هایی را یاد بگیرند. ما در این موسسه به آنها یاد می دهیم چگونه با آمادگی وارد شغل شوند. همچنین این موسسه دوره ها، سمینارها، همایش ها و کارگاه های آموزشی در زمینه کارآفرینی و کسب و کار و بازرگانی برگزار می کند.



فرستادند. حتی اولین دانش آموزی بودم که عضو انجمن شیمی و مهندسی شیمی ایران شدم و در اولین کنگره شیمی و مهندسی شیمی ایران دعوت شدم. همچنین به دعوت دبیر انجمن شیمی ایران در یک سفر علمی به همراه پدرم از پتروشیمی بندر امام خمینی دیدن کردیم.

سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ کارشناسی ریاضی را در دانشگاه مازندران گذراندم. از سال ۱۳۸۰ در یک همایشی که از سوی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران برگزار شده بود با موضوع کارآفرینی آشنا شدم. از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ حضور در اندیشکده صنعت و فناوری و فعالیت در این مجموعه برای من به عنوان دوران قبل از شروع کسب و کار بود و زمینه آشنایی بیشتر مرا با کارآفرینی فراهم کرد. من در این مجموعه خصوصی که فعالیت های پژوهشی و آموزشی بین رشته ای داشت، پژوهش و آموزش در حوزه کارآفرینی را آموختم.

سال ۱۳۸۶ در دوره های مربیگری کارآفرینی آقای دکتر فیض بخش شرکت کردم و همان سال در زمینه کارآفرینی کودک و

من از کودکی همواره می خواستم متفاوت و خاص باشم و به طور خاص زندگی کنم. به واسطه این که پدر بزرگم در تنکابن باغی داشت، تجربه فروش میوه های باغ به دوستان و آشنایان را داشتم و الان هم تجربه یک کار تجاری از دغدغه های شخصی من هست ولی هنوز به طور عملی وارد این حوزه نشده ام. یک ویژگی دیگرم این بود که دوست داشتم کسب و کاری داشته باشم که جهانی باشد. همیشه به زندگی و فعالیتی جهانی می اندیشیدم. من علاقه زیادی به رشته شیمی در دوران دبیرستان داشتم و هیچوقت هم این رشته را نخواندم و به مسیر دیگری رانده شدم. خصلت پیگیری و ارتباط با انسان های تأثیرگذار و بزرگ را همیشه در زندگی دنبال کردم. این بزرگ اندیشی و فراتر از سن و دوران نوجوانی موضوعی است که همیشه در خون من بوده و به شدت مرا به حضور در محافل علمی خاص علاقمند کرده و سوق داده است. علاقه به ارتباط با افراد بزرگ و خاص در زندگی هم باعث یادگیری من بوده و هم باعث شده در مسیرهای خاصی قرار بگیرم.

دوران تحصیل بنده همیشه دوست داشتم دانشمند شوم و البته در مسابقات علمی نیز همیشه شرکت می کردم.

**داشتن کسب و کاری متعلق به خودم چیزی بود که مرا به سمت ایجاد کسب و کار سوق داد.**

من در دوران تحصیل تمامی کتب موفقیت و ثروت آفرینی را خوانده بودم. از دوران دبیرستان به فکر ارتباط با محافل علمی دنیا بودم. مثلاً برای انجمن ریاضی و شیمی و نجوم آمریکا نامه نوشتم و آنها هم به من پاسخ دادند و برایم کتاب و بروشور



می‌کشاند.

مهم‌ترین تصمیم و یا شاید نقطه عطف زندگیم سفرهای کاری ای بود که به تنهایی به خارج از ایران داشتم. این سفرها باعث شد حس ریسک‌پذیری در من تقویت شود. با انجام این سفرها، صد در صد تصمیم گرفتم کسب و کارم را شروع کنم. تا قبل از آن نوعی ترس و عدم خودباوری داشتم.

برای آینده یک استارت‌آپ کسب و کار اجتماعی در حوزه سلامت و بهداشت سالمندی را در حال اجرا هستیم. تا کنون چند همایش ترویجی کسب و کار اجتماعی در حوزه سالمندی برگزار کرده ایم که با استقبال خوبی روبرو شده است. مهر ماه سال جاری با همکاری شهرداری به مناسبت روز سالمند همایش بزرگی با موضوع پوکی استخوان در پیش داریم. ارتباط با شبکه‌های کارآفرینی اجتماعی فعال در خارج از کشور نیز از برنامه‌های آتی ما می‌باشد.

**شعار ما در این موسسه این است:**

**“حل مسائل اجتماعی با کسب و کار”**

بزرگ بیندیشید و با انسان‌های بزرگ

معاشرت کنید.

مثبت‌اندیشی و امید را هرگز فراموش نکنید.

**باورهای محکم داشته باشید:**

**“اگر یک نفر در جهان توانسته پس من هم**

**می‌توانم.”**



کسی بکنم!

من به عنوان اولین اقدام عملی برای راه‌اندازی کسب و کار، به دنبال انتخاب تیم رفتم. سرکارخانم مهندس مقیمی از جمله افراد تأثیرگذار در زندگی و در راه‌اندازی کسب و کار من بودند. ایشان جسارت و شهامت شروع یک کسب و کار را در من زنده کردند.

مهم‌ترین چالشم این باور غلط بود که برای انجام یک کار موفق، حتماً نیاز به حمایت یک فرد است. این حمایت هم مالی می‌تواند باشد و هم غیر مالی. گذشت زمان به من آموخت که خودم باید مسئولیت کامل زندگی و کارهایم را بر عهده بگیرم و تنها به خودم متکی باشم و توکل به خداوند در این راه هادی و حامی من است. اکنون قویا بر این باورم.

ویژگی پیشبرنده من استقامت و ریسک‌پذیری است. من همواره از تغییر استقبال می‌کنم. ویژگی بازدارنده‌ام از این شاخه به آن شاخه پریدن و بیش از اندازه خلاق بودن است. چون کنجکاو هستم و همیشه دنبال یادگیری و این یادگیرنده بودن بعضی وقت‌ها مرا به حاشیه

یک سال بعد از شروع کسب و کارم در حوزه خدمات آموزشی، تصمیم گرفتم به صورت تخصصی در یک حوزه فعالیت کنم. به همین دلیل فرصت مطالعاتی کسب و کار اجتماعی در ژاپن و بنگلادش را دنبال کردم. این اقدامات برای فعالیت واقعی و عمیق در حوزه کسب و کار اجتماعی زمینه را برایم فراهم کرد. این سفرها باعث شد من در این حوزه متخصص شوم. به همین خاطر باز هم به تنهایی به این کشورها سفر کردم و حتی مدتی در ژاپن زندگی کردم. با کارآفرینان اجتماعی این کشور مصاحبه داشتم و از فعالیتشان دیدن کردم. این آشنایی‌ها باعث شد که من قاطعانه موضوع کسب و کار اجتماعی را انتخاب کنم. موانع ذهنی من در راه‌اندازی کسب و کارم، مربوط به چالش‌ها و باورهای نادرست مالی و برخی نگرش‌های منفی بود. در کنار دوره‌های آموزشی، تقویت خودباوری و اعتماد بنفوس و برطرف کردن باورهای منفی و مثبت‌اندیشی و مهم‌تر از همه امید و توکل به خداوند باعث شد تا مسیر روشنی را برای کسب و کارم پیدا کنم.

از سال ۱۳۹۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی شدم و در دانشکده کارآفرینی با فضای علمی کارآفرینی و موضوع آموزش کارآفرینی بیشتر آشنا شدم و شبکه ارتباطی اجتماعی خودم را گسترش دادم. با تعدادی از دانشجویان فعال دانشکده نیز برنامه‌هایی در قالب انجمن علمی دانشجویی کارآفرینی برگزار کردیم که تجربه خوبی بود.

**استقامت و پایداری  
با وجود چالش‌ها در موفقیت یک  
کسب و کار بسیار مهم است.**

همیشه اعتقاد دارم برای موفقیت نهایی شاید یک قدم مانده باشد و اگر این یک قدم را بر دارم موفق می‌شوم و اگر بر ندارم زمینه را برای نفر بعدی مهیا می‌کنم که با یک قدم بر نداشته من، او پیروز شود. حاضر نیستم این لطف را در حق



تهیه‌کنندگان: محمد حسین خانی، مجید حسین‌زاده

با نظارت: دکتر محمدرضا زالی (رئیس دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران)

